

جوان سریال تا زمینه‌ساز رویش استقلال و آگاهی در او گردد و بینش و منش او را متعالی و بزرگ گرداند.

در «ترانه مادری» و جوه و اشکال مختلفی از استقلال رفتاری و شخصیتی در نزد زنان و مردان این سریال را شاهدیم. با مادر بزرگی مدبر و مدبر طریفیم که حامی و عامل هم‌گویی افراد خانواده است. وقتی بنا بر همان عادت مرسوم بهبهانی‌نیا، در اواسط داستان در یک حادثه تصادف حضور این مادر بزرگ از جمع خانواده دروغ می‌شود، هم رازی ناگفته خاک می‌شود و هم آشوب و عنادی میان افراد خانواده ایجاد شده و اختلافی بالا می‌گیرد که تا پیش از این با میانجی‌گری مادر بزرگ حل و فصل می‌شد. اختلاف فی مابین اما تلاقی افکار و اصولی است که رفته‌رفته آن‌ها را به مدارا و نظرگاه مشترک می‌رساند و خودتکایی آن‌ها را به دنبال دارد. در «ترانه مادری» وجوه تصویری و داستانی روایت آدم‌های مستقل یا در پی استقلال اما دامنه وسیع‌تر و تعدد بیشتری دارد. با خاله‌ای (فاطمه گودرزی) مواجهیم که بانگاهی مادرانه به خواهرزاده‌اش نگاه می‌کند و چیزی در حق پویا (محسن افشانی) کم نمی‌گذارد و به تنهایی او را تا سطح شخصیتی موجه، تحصیل کرده و سربره‌راه تربیت و همراهی می‌کند. پویا به سبب توجهات گاه افراطی و از سر مسئولیت‌پذیری و همینطور دلسوزانه خاله‌اش در عین تربیت صحیح اما مبتلا به عزت‌نفس و اعتماد به نفس پایین می‌شود و در دانشگاه است که این زخم سر باز می‌کند و او را مایه تمسخر هم‌کلاسی‌ها. حضور اجتماعی بیشتر و شناخت روزافزون از محیط پیرامونی و نحوه مواجهه مطلوب، اما در واقع بستری می‌سازد که نقطه ضعف‌هایش را ببدل به نقطه قوت کند و کم‌کم صاحب ویژگی‌هایی مثل تمایل به تشکیل زندگی شود که استقلال و اعتماد به نفس از اصلی‌ترین لوازمش است. سوبه مستقل دیگر داستان نیز زنی (بی‌تاسحر خیز) تحصیل کرده، با اراده و متکی به نفس و در عین حال محروم از نعمت مادر است که در سایه تربیت صحیح پدر، شخصیتی مستقل یافته است. ارزش افزوده این شخصیت اما مراقبت از پدری است که زمین‌گیر و بلچر نشین گشته و به نوعی به جای پدر، او گرداننده و نظم‌دهنده امور درونی و بیرونی خانواده کوچکشان است؛ زنی مستقل و فاعل که در سایه حمایت و قوت قلب پدر علاوه بر حضور گرمایش در خانه، در عرصه اجتماعی نیز فعال و اثرگذار است.

زن و مرد تنها اما مستقل سریال «فاصله‌ها» رانیز می‌توان در شمار دیگر افراد حاضر این خصوصیت بارز در آثار بهبهانی‌نیا محاسبه کرد. مرد، پدری است مقید به اخلاق که توانسته در نبود مادر، وظیفه سنگین و خطیر تأمین معاش و همزمان رشد و تربیت



شخصیت انتقام‌جوی کیانی با بازی پوریا شکیبایی در «برف بی صدا می‌بارد» نیز محصول کینه‌ای قدیمی در دوران کودکی از تماشای مشاجره‌ای است که بنا بر تصور او ختم به تحقیر پدرش توسط حاج عطا شده است. حالا در بزرگسالی او قرارش بر این است که انتقامش را از راه اخلاص در نظام مالی و فروش شرکت و همچنین شراکتی چپاول‌گرانه و دوستی و وصلتی دروغین بگیرد تا جرمش را سنگین‌تر و آوار ریخته بر سر خودش و خانواده حاج عطا را سنگین‌تر کند. مثل تمام انتقام‌ها و کینه‌های غلط دیر یا و غیر منصفانه، اولین قربانی، خودش، روحش و زندگی‌اش و همچنین تباه شدن آینده‌ای است که فدای فرو نشانیدن عطش انتقام شده است.

استقلال

موضوع استقلال که اغلب نیز با قضیه فقدان بزرگ‌تر یک خانواده در آثار بهبهانی‌نیا گره خورده و در ارتباطی تنگاتنگ با آن است، رویکردی بوده که از فیلمنامه اولین تا آخرین اثرش، همیشه نقشی پررنگ و البته راهبردی در روایت‌هایش داشته است. معمولاً بهبهانی‌نیا سهم بیشتری برای زنان قائل شده و کفه زنانه آثارش در باب این موضوع در آثارش بیشتر سنگینی می‌کند، و قدم‌های روایی و تصویری بلند و مثبتی سوی ایجاد و تزیین حس استقلال در قشر زنان جامعه به واسطه آثارش برداشته است. بهبهانی‌نیا در «خانه پدری» مخاطب را با زنی همراه می‌کند که در مسیر یافتن هویت واقعی‌اش با انواع و اقسام موانع، مشکلات و خطرهایی روبه‌رو می‌گردد که هر کدام به نحوی سعی دارند او را از ادامه راه و هدفش باز دارند. حال اینکه دشواری‌ها عزمش را راسخ‌تر و انگیزه‌اش را بیشتر می‌کند تا بالاخره به آرام و قرار و نقطه مطلوب دست می‌یابد.

در «خاک سرخ» نیز زنی پس از سال‌ها، وقتی می‌فهمد عزمش در بی‌خبری و عدم اطلاع از هویت و خانواده واقعی‌اش گذشته است، بی‌تاب، راه‌زاد گاهش را در پیش گرفته و طی طریق وصل را انتخاب می‌کند، حال اینکه سرنوشت در چند قدمی دیدار و وصل، معاوضه کارانه با او رفتار می‌کند و در ازای دادن، چیزی هم از او می‌ستاند. به این صورت که در اثر حمله‌ای موشکی، نخستین رهیافتش محرومیت از همراهی همسر و همسفری می‌شود که عمر و زندگی‌شان به چند روز هم کشیده بود. در حالی که تا پیوند فرزند در راه و خانواده چشم‌به‌راه، تنها چند کیلومتر باقی مانده بود، اتفاق غیرمنتظره

فوت، فاصله‌ای می‌اندازد در مسیر این پیوست که اگر چه ترس، تنهایی و ناامیدی زن جوان را به دنبال دارد، اما آزمونی است برای افزایش استقامت که به شناخت بهتر خود، پیرامون و همچنین آشنایی نزدیک با مفاهیمی چون ایثار و شهادت منجر می‌شود و از طرفی استقلالش را تقویت می‌کند تا قوی‌تر از گذشته تقدیر تلخ را تحمل کند و امیدش تضعیف نشود. تقدیری که با اسارت پدر (پرویز پرستویی)، فرصت دیدار با او را می‌گیرد، اما همراهی و هم‌آغوشی مادرانه (مهتاب کرامتی) و خواهرانه‌ای (بهناز جعفری) به او می‌بخشد تا بادی گرم‌تر چشم به آینده‌ای بدو زد که حالانتظاری تازه برای بازگشت پدر در وجودش متولد کرده است؛ که زندگی نیز در واقع تماماً مسیری است توقف‌ناپذیر، مگر با مرگ و کوچ از این دنیا.

در سریال «ترگس» نیز مسیری که برای استقلال بیشتر زن جوان با بازی زنده‌یاد پوپک گلدره و ستاره اسکندری طراحی می‌شود از درون ماجرای فقدان می‌گذرد و این بار برای مادر خانواده‌ای رخ می‌دهد که از داشتن پدر نیز محرومند. با فوت مادری که عامل آشتی و وفاق و یک تکیه‌گاه محکم بود، به ناگاه بنیان خانواده تا مرز فروپاشی می‌رود؛ وقتی در آن خواهری (عاطفه نوری) حضور دارد که به سبب غفلت، ساز مخالف، جدایی و ناسازگاری می‌زند. رسیدن به مرز استیصال و فروپاشی و قرار گرفتن در برابر کلی مانع و آدم‌های بدخواه و بدطینت اما نقطه‌ای می‌شود برای رشد و همچنین آزمایشی است برای سنجش صبر و اوج‌گیری استقامت زن



موضوع استقلال که اغلب نیز با قضیه فقدان بزرگ‌تر یک خانواده در آثار بهبهانی‌نیا گره خورده و در ارتباطی تنگاتنگ با آن است، رویکردی بوده که برای افزایش استقامت که به شناخت بهتر خود، پیرامون و همچنین آشنایی نزدیک با مفاهیمی چون ایثار و شهادت منجر می‌شود و از طرفی استقلالش را تقویت می‌کند تا قوی‌تر از گذشته تقدیر تلخ را تحمل کند و امیدش تضعیف نشود. تقدیری که با اسارت پدر (پرویز پرستویی)، فرصت دیدار با او را می‌گیرد، اما همراهی و هم‌آغوشی مادرانه (مهتاب کرامتی) و خواهرانه‌ای (بهناز جعفری) به او می‌بخشد تا بادی گرم‌تر چشم به آینده‌ای بدو زد که حالانتظاری تازه برای بازگشت پدر در وجودش متولد کرده است؛ که زندگی نیز در واقع تماماً مسیری است توقف‌ناپذیر، مگر با مرگ و کوچ از این دنیا.